

# قبه سبز

## قدیمیترین نمونه کاشیکاری معرق در ایران

دکتر شه‌ره جوادی\*\*

### چکیده:

کاشیکاری معرق از دوران قدیم تاکنون به عنوان روشی برای زیباسازی و استحکام‌بخشی به بنا مورد استفاده بوده است. چگونگی پیدایش کاشی معرق مراحل دارد که از تزیین دو رنگ شروع شده و به تدریج به کاشی چند رنگ در ترکیب با آجر می‌انجامد و رفته رفته منجر به معرق‌کاری می‌گردد. چگونگی ظهور کاشی در تزیین معماری و قدمت آن به دوران قبل از اسلام می‌رسد که اولین نمونه‌های کاشی را در تزیینات کاخ‌های هخامنشی و آشور می‌بینیم. اما در دوران اسلامی تزیینات خارجی بناها معمولاً آجرکاری بوده و اوج این هنر را در عصر سلجوقی شاهد هستیم. در اواخر دوران سلجوقی نوعی کاشیکاری موسوم به کاشی نگین یا تزیین دو رنگ وارد تزیینات معماری می‌شود که از اولین نمونه‌های این شیوه می‌توان به بنای خواجه اتابک سلجوقی در کرمان اشاره کرد. این بنا مقبره وزیر سلجوقی در قرن پنجم هجری بوده است. این شیوه تزیینی که ترکیبی از کاشی آبی در ترکیب با آجر می‌باشد به تدریج از قرن ششم تا هشتم هجری کامل شده به طوری که در بناهایی مانند مسجد ملک زوزن خراسان، برج‌های آرامگاهی مراغه، گنبد سلطانیه، مساجد جامع ورامین و نظنز و ... شاهد کاشی‌های رنگین لاجوردی، سفید و سیاه نیز در ترکیب با آجر هستیم که به تدریج این شیوه تکمیل شده و منجر به معرق‌کاری می‌شود. پس از این مقدمه به معرفی کاشیکاری معرق بنای قبه سبز که مقبره قراختائیان کرمان در قرن هفتم هجری است می‌پردازیم. تزیینات این بنا به عنوان قدیمیترین کاشیکاری معرق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرضیه‌ای که این کاشیکاری را قدیمیترین معرق‌کاری ایران معرفی می‌کند نظریه مرحوم دکتر پیرنیا می‌باشد که فرموده‌اند: در قبه سبز کاشیکاری به حد اعلای خود رسیده که حتی زیباترین کاشی‌های دنیا مثل مسجد کبود تبریز به پای آن نمی‌رسد و قدیمی‌ترین کاشیکاری ایران است.

### کلید واژه:

کرمان، قبه سبز، کاشیکاری معرق، تزیین، آجرکاری، سلجوقی، قراختانی.

\*\* این مقاله مستخرج از گزارش طرح پژوهشی «قبه سبز، قدیمیترین نمونه کاشی معرق در ایران» می‌باشد.

\*\* استادیار گروه آموزشی هنرهای تجسمی، دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران.

۱۲. سیلوا فیگوتروا: سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳، ص ۲۶۳.
14. Titley, p. 121.
15. Ibid.
16. Ibid.
17. Ibid.
۱۸. صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران. ج ۵، بخش ۲، تهران، فردوسی، ۱۳۶۴، صص ۸۸۲ - ۸۹۲.
19. Titley, p. 123.
20. Ibid, p. 124.
21. Ibid, p. 126.
22. Ibid.
۲۳. کن‌بای: نقاشی ایرانی، ترجمه مهدی حسینی، تهران، دانشگاه هنر، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵.
۲۴. همان، ص ۱۱۰.
۲۵. دوازده رخ، صص ۳۱۰-۲۸۷.
۲۶. همان؛ و نیز کریمزاده تبریزی، محمدعلی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، ج ۲.
۲۷. کن‌بای، ص ۱۰۹؛ کریمزاده تبریزی، ج ۱، ص ۲۴۴.
۲۸. کریمزاده تبریزی، ج ۱، ص ۲۴۳.
۲۹. همو، ص ۲۴۴.
۳۰. پاکباز، روئین: دائرةالمعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸، ص ۳۳۱.
۳۱. همان، ص ۳۳۶.
۳۲. کریمزاده تبریزی، ج ۱، صص ۲۵۱-۲۵۲.
۳۳. همو، ص ۲۵۲.
۳۴. سیر و صور نقاشی ایران، ص ۱۴۱.
۳۵. ذکاء، یحیی: «محمد زمان نخستین نگارگر ایرانی که به اروپا فرستاده شده در نگاهی به نگارگری ایران در سده دوازدهم و سیزدهم، تهران، ۱۳۵۴، صص ۳۹-۷۹.
۳۶. دوازده رخ، ص ۳۱۶.
۳۷. همان.
۳۸. رابینسن: هنر نگارگری ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۷۶، ص ۸۰.
۳۹. پاکباز، صص ۵۱۸ - ۵۲۰.
۴۰. کریمزاده تبریزی، ج ۲.
۴۱. همو.
۴۲. آذر بیگدلی: آتشکده، به اهتمام سید حسن سادات ناصری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۷؛ جبه‌خانه یا جباخانه، انبار آلات و ادوات جنگی از قبیل سرب و باروت و گلوله و سایر لوازم جنگی و عمله و اکره جبه‌خانه را جبادار می‌گفتند که در ساخت و حفاظت آلات جنگی نیز مهارت داشتند. نگاه کنید به: القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، تصحیح یوسف رحیم‌لو،

- مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱، ص ۲.
۴۳. کریمزاده تبریزی، ج ۱، ص ۳۸۹.
۴۴. پاکباز، ص ۳۵۹.
۴۵. کریمزاده تبریزی، صص ۳۸۸-۳۹۷.
۴۶. همو، ص ۱۰۶.
۴۷. همو، ص ۱۰۶.

## منابع و مأخذ

- دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ ش.
- کریمزاده تبریزی، محمدعلی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، ج ۱ و ۲، تهران، مستوفی، ۱۳۷۶ ش.
- کن‌بای، شیدا: نقاشی ایرانی، ترجمه مهدی حسینی، تهران، دانشگاه هنر، ۱۳۷۸ ش.
- گری و دیگران: سیر تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه محمد ایرانمنش، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
- Titley, Persian Miniature Painting, London, British Library, 1987.
- آذر بیگدلی: آتشکده، به اهتمام سید حسن سادات ناصری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۷ ش.
- اولشاریوس، آدام: سفرنامه، ترجمه حسین کردبچه، ج ۲، تهران، شرکت کتاب، ۱۳۶۹ ش.
- پاکباز، روئین: دائرةالمعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸ ش.
- پوپ و دیگران: سیر و صور نقاشی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۷۸ ش.
- تاریخ ایران کمبریج: دوره صفویان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۷۹ ش.
- جمللی کاری: سفرنامه، ترجمه حسین نخجوانی و عبدالملی کارنگ، تبریز، اداره فرهنگ و هنر، ۱۳۴۸ ش.
- ذکاء، یحیی: «محمد زمان نخستین نگارگر ایرانی که به اروپا فرستاده شده در نگاهی به نگارگری ایران در سده دوازدهم و سیزدهم، تهران، ۱۳۵۴ ش.
- رابینسن: هنر نگارگری ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۷۶ ش.
- رابینسن و دیگران: دوازده رخ، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۷۷ ش.
- سیلوا فیگوتروا: سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳ ش.
- شاردن: سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۴ ش.
- شوستر والسز: ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان، ترجمه غلامرضا وره‌رام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
- صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران. ج ۵، بخش ۲، تهران، فردوسی، ۱۳۶۴ ش.
- عالی‌افندی، مصطفی: مناقب هنروران، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، سروش، ۱۳۶۹ ش.
- فریر و دیگران: هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۶ ش.
- فلسفی، نصرالله: زندگانی شاه عباس اول، ج ۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ ش.
- فوران، جان: مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران،

## مقدمه:

معرفی و بررسی کاشیکاری معرق در بنای «قبه سبز» کرمان از این جهت حائز اهمیت است که این اثر یکی از بناهای عظیم و باشکوه عصر ایلخانان مغول می‌باشد که از نظر کاشیکاری نسبت به سایر بناهای هم‌عصر و پس از خود دارای ارزشی ویژه و منحصر بفرد است. طبق نظر مرحوم دکتر پیرنیا، «کاشیکاری معرق این بنا قدیمی‌ترین کاشیکاری ایران است.»

در این مقاله سعی شده فرضیه پیرنیا با استناد به موارد تاریخی و مقایسه این بنا با سایر آثار هم‌عصر، قبل و پس از آن، اثبات گردد. از آنجا که مبدع کاشیکاری ایرانیان هستند، اثبات فرضیه مذکور، قدیمی‌ترین کاشیکاری جهان را که دارای کیفیتی عالی و بی‌نظیر است معرفی خواهد کرد.

## قبه سبز، قدیم‌ترین نمونه کاشیکاری معرق در ایران

معماری ایران همواره با تزئینات متنوع و زیبا عجبین بوده است، همچنان که سایر هنرهای سنتی ما نیز از دیرزمان هنرهای کاربردی - تزئینی بوده‌اند.

در واقع باید گفت تزئین جزء جدایی‌ناپذیر هنرهای ایرانی در دوران مختلف قبل و بعد از اسلام می‌باشد. عناصر عمده تزئینی در هنرهای ایرانی، شامل شکل، رنگ، ترکیب‌بندی و حاشیه‌پردازی می‌باشد. شیوه‌های تزئینی رایج در معماری شامل حجاری، گچبری، آجرکاری، کاشیکاری و نقاشی از قدیم‌ترین دوران وجود داشته است. در این مقاله مختصراً به سیر تزئین در معماری قبل و پس از اسلام اشاره شده سپس به چگونگی پیدایش عنصر رنگ در تزئینات معماری پرداخته می‌شود. وجود رنگ را در نماهای تزئینی قبل از اسلام به صورت کاشیهای لعابدار رنگین در بناهایی از ایران و بین‌النهرین شاهد می‌باشیم که از این نمونه‌ها می‌توان به دروازه ایشتر در بابل و آجرهای لعابدار

شوش اشاره کرد. اما پس از اسلام در تزئینات خارجی بنا، از آجرکاری تزئینی استفاده شده است. البته در سالهای اولیه پس از اسلام ساده‌گرایی و پرهیز از تزئین و تجمل در بناها مشهود است که از این نمونه می‌توان مسجد تاریخان دامغان را در قرن دوم هجری قمری نام برد. اما تدریجاً معماری و سایر هنرها به شیوه‌های پیشین به تزئین‌گرایی و تجمل روی می‌آورند. به تزئین<sup>(۱)</sup>، زیباسازی و تجمل اشاره شد عبارات ذکر شده هر یک تعاریف و تفاسیری دارند و بحث و بررسی مفصلی را می‌طلبند که در این مقاله مجال پرداختن به آنها نیست. قبلاً اشاره شد که پس از اسلام تزئین خارجی بنا تنها آجرکاری بوده است. شاهد این ادعا بناهای بی‌شماری است در دوران آل بویه و سلاجقه در اکثر نقاط ایران ساخته شده و امروز بعضی از آنها باقی است. در طی حدود پنج قرن که سلجوقیان و ایلخانان مغول در ایران فرمانروایی داشتند آثار با ارزش و پرشکوهی از هنر آجرکاری را به نمایش گذاشتند. حال به چگونگی ظهور رنگ یا کاشیکاری در نمای خارجی بناهای آجری می‌پردازیم. قبل از دوره سلجوقی نمونه تزئین رنگی در خارج بنا وجود نداشته است. تنها یک نمونه تزئین رنگی با کاشی آبی و آجر در کرمان وجود دارد که بنای خواجه اتابک سلجوقی متعلق به قرن پنجم هجری قمری است. این اثر پیدایش رنگ را برای نخستین بار در تزئینات معماری نشان می‌دهد. معرفی بنای خواجه اتابک و بررسی اولین نمونه تزئین رنگی محتاج به مقاله جداگانه‌ای است که در فرصت مناسب ارائه می‌گردد. این شیوه در قرون ششم تا هشتم رایج بوده و کم‌کم مقدمه‌ای برای پیدایش کاشیکاری رنگین شده که همان شیوه معرق‌کاری می‌باشد. کاشی معرق در ابتدا و در اولین بناهایی که بکار رفته دارای محدودیت رنگی بوده و تنها از رنگهای آبی، فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید و سیاه استفاده می‌شده است که در این دوره معرق‌کاری در ترکیب با آجر و تنهادر بعضی قسمت‌های بنا بکار می‌رفته اما به

تدریج تنوع رنگی پیدا کرده و اکثر بخشهای خارجی بنا و به‌خصوص در پرشش گنبدها استفاده شده است. اگر بخواهیم از قدیمی‌ترین نمونه‌های کاشی معرق نام ببریم باید به بنای «قبه سبز» کرمان اشاره شود که به عقیده مرحوم دکتر پیرنیا اولین نمونه معرق‌کاری<sup>(۲)</sup> در ایران است.

طبق نظر مرحوم دکتر پیرنیا: «در قبه سبز کاشیکاری به حد اعلای خود رسیده است که حتی زیباترین کاشیهای دنیا مثل مسجد کبود به پای آن نمی‌رسد و قدیمی‌ترین کاشی ایران است.»<sup>(۳)</sup>

مهندس نظریان: «کاشیکاری این بنا بخصوص در قسمت ستون پیچ سردر که تکنیک بسیار پیشرفته‌ای دارد نمی‌تواند قدیمی‌ترین کاشیکاری ایران باشد زیرا قبل از آن چنین شیوه‌ای معمول نبوده و سابقه قبلی ندارد.»<sup>(۴)</sup>

گذار، معمار و ایران‌شناس فرانسوی معتقد است تاریخ بنای گنبد سبز ۸۴۰ هجری قمری و در زمان عبدالله بن شاهرخ است. و تاریخ دیگری که ارتباطی با کتیبه قبلی ندارد حاوی تاریخ ۶۴۰ هجری قمری بوده است. ولی احتمال بیشتر آن است که راهنمای سایکس رقم ۸۴۰ را ۶۴۰ هجری قمری خوانده باشد. منظور اصلی آنست که معلوم شود آیا آثار ساختمانی مورخ ۶۴۰ هجری قمری وجود دارد یا نه؟ که به موجب گواهی افرادی که دز سالهای اخیر از محل دیدن کرده‌اند از این آثار خبری نیست.<sup>(۵)</sup>

اشرودر محقق و باستان‌شناس غربی که در سال ۱۹۳۵ در کرمان مشغول بررسی‌های معماری بوده درباره قبه سبز می‌گوید: «در حال حاضر فقط دیوارهای پایین شبستان مقبره باقی‌مانده و سردری که سقف آن بعداً زده شده و به مدرسه‌ای که اکنون باقی است نسبت داده می‌شود. او خاطر نشان می‌سازد که استاد عنایت‌الله بن نظام‌الدین که سایکس از او نام برده باید پدر حاجی بیک بن عنایت‌الله بن نظام‌الدین معمار اصفهانی باشد که نام وی بر محراب بدون تاریخ مسجد

جامع کرمان ثبت است.»<sup>(۶)</sup> به عقیده اشروود «این محراب مربوط به عملیات تعمیر مسجد جامع است که در حدود ۹۶۷ هجری قمری انجام گرفته است.»<sup>(۷)</sup>

در تاریخ بناهای کرمان آمده که تیموریان (قرن ۹ هجری قمری) مجموعه عظیمی در کرمان ساخته بودند اما هیچ اثری از آن باقی نیست. حال اینکه هیچ اثری از دوره تیموری که حدود صد سال در کرمان حکومت داشته‌اند باقی نمانده خود قابل بررسی است! بعید نیست که تیموریان علاوه بر ساختن آن مجموعه بخشهایی به تزئینات بنای قبه سبز افزوده باشند و یا به بازسازی این بنا همت گماشته باشند. ولی هیچ مدرک و سندی که مؤید این مطلب باشد در دست نیست مگر ادعای آندره گدار که آن هم بدون سند می‌باشد.

اما دو اثر نفیس از کاشی‌کاری معرق در قرن هشتم هجری قمری در کرمان وجود دارد که یکی محراب مسجد جامع و دیگری سردر مسجد پامنار است که این دو به فاصله حدود پنجاه سال از یکدیگر ساخته شده‌اند و از نمونه‌های کامل و زیبای معرق‌کاری رنگین بارنگهای اصیل کاشی‌کاری ایران هستند. در حالی که به این دوران در دیگر شهرهای ایران معرق‌کاری کامل وجود نداشته و تزئین دو رنگ یا چندرنگ در ترکیب با آجر معمول بوده است. بنابراین این دو نمونه معرق‌کاری که حدود یک قرن پس از قبه سبز می‌باشند نشان می‌دهد که الگوی قبلی داشته‌اند که همان بنای قبه سبز است. حال چگونه می‌توان از اقوال ذکر شده نتیجه‌گیری کرد؟

به عقیده نگارنده نظریه استاد پیرنیا معتبرتر است. از آنجائی که سایر بناهای کرمان در عهد سلجوقی و مغول و همچنین صفوی و قاجار از ویژگیهای خاصی برخوردارند و دارای نقوش و تزئینات ابداعی و منحصر به فرد می‌باشند. عجیب نیست که کاشی‌کاری معرق و ستون پیچ این بنا نیز با شیوه‌ای پیشرفته‌تر از دیگر بناهای هم‌عصر و پس

از آن اجرا شده باشد.

شیوه نگین‌کاری منحصر به فرد در بنای خواجه اتابک کرمان متعلق به دوره سلجوقی یا تزئینات مجموعه گنجعلیخان و ابراهیم‌خان کرمان متعلق به دوران صفوی و قاجار همچنین کاشی‌کاری‌های مسجد پامنار متعلق به دوره مظفریان کرمان از نمونه‌های عالی کاشی‌کاری کرمان در قرون مختلف هستند که در صورت مقایسه با بناهای هم‌عصر خودشان در سایر نقاط ایران دارای برتری و نوآوریهای بسیاری می‌باشند که در این مقاله جای بحث آن نیست. سایر نظرات اعتبار چندانی ندارند، چنانکه در پی‌نوشت‌ها به آن اشاره شده است.

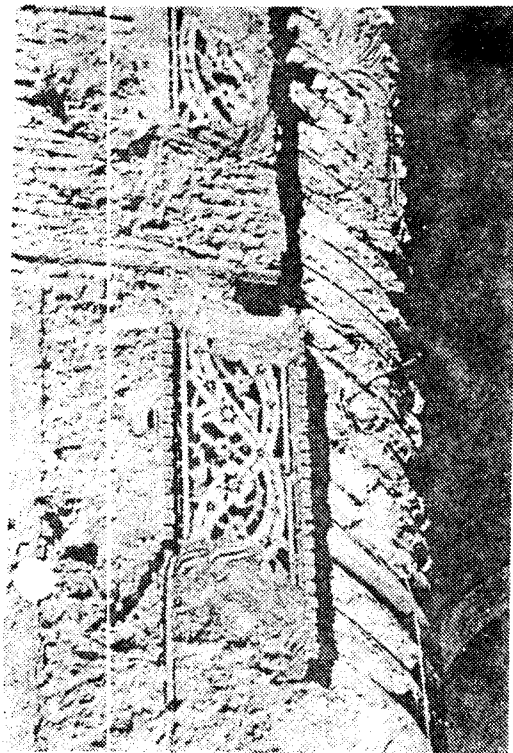
### تاریخچه بنا

«بنای قبه سبز متعلق به قراخانیان کرمان است و قدمت آن به قرن هفتم هجری قمری می‌رسد. مجموعه آثار زمان قراخانیان خصوصاً ترکان خاتون یکی از بزرگترین مجموعه‌هایی بود که متأسفانه در زلزله سال ۱۳۱۴ قمری تمام آن از بین رفته و فقط سردر مدرسه و مقبره آنها باقیست و بنام قبه یا گنبد سبز مشهور است.

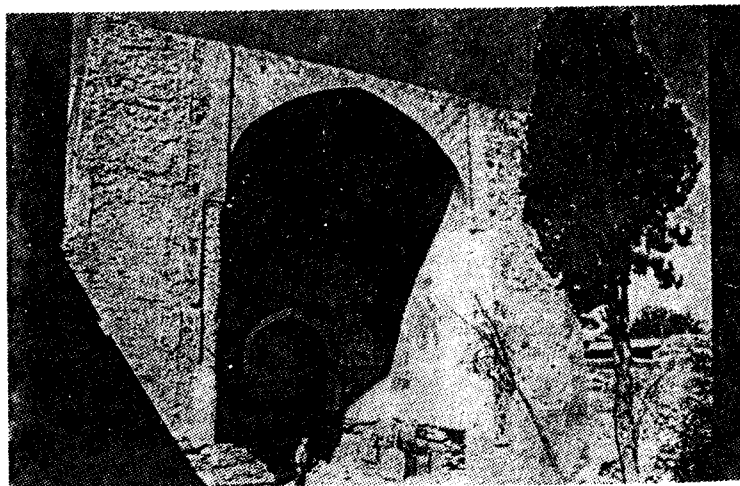
در زمان ترکان خاتون حاکم مقتدر قراختایی آثار بسیاری مانند کاروانسرا، قنات، مسجد و مدرسه در کرمان بنا شد. اوج اقتدار و فرمانروایی این ملکه عالی همت از سال ۶۵۵ تا ۶۸۱ بود و از مهمترین کارهای او ساختن مدرسه‌ای بود در محل «ترک‌آباد» و در کنار آرامگاه شوهرش سلطان قطب‌الدین که نام این مدرسه را قطیه گذاشت و از اموال خود موقوفاتی بدان اختصاص داد و استادانی بر آن بگماشت. این مدرسه به «عصمتیه» و مدرسه «ترک‌آباد» نیز مشهور است که از مدارس مهم و بزرگ بلاد اسلامی بود. عصمتیه از آن جهت که بانی آن ترکان خاتون به عصمت‌الدین شهرت داشت. و ترک‌آباد از آن رو که در محله ترک‌آباد واقع بود. امروز از آن مدرسه، مسجد و آرامگاه جز محوطه کوچکی

که قبری در میان آن واقع شده و سنگ مرمر ضخیم آن هم‌چنین سردر مدرسه و کمی از کاشی‌کاریهای آن و دیوار عجیب و حجیم پایه گنبد چیزی باقی نمانده است.»<sup>(۸)</sup> چند سطری از کتیبه سردر مدرسه را «سایکس» کنسول انگلیس در ایران که مدتی در کرمان سکونت داشته در سفرنامه خود چنین می‌نویسد: کتیبه روی دیوار را بطریق ذیل برای نگارنده خواندند. «عمل خواجه شکرالله و استاد عنایت‌الله ولدان استاد نظام‌الدین معمار اصفهانی». تاریخ آن ۶۴۰ هجری قمری یعنی ۸ سال پس از فوت براق حاجب مؤسس سلسله قراختایی می‌باشد. همچنین سایکس در بخشی دیگر از سفرنامه خود درباره این بنا چنین می‌انگارد: تا سال ۱۸۹۶ میلادی قبه سبز برجسته‌ترین بنای کرمان بشمار می‌رفت و در روزگار خود عظمت و شکوه خاصی داشت و تا مدت‌ها پر رونق بوده است. و در آن تاریخ زلزله بنای آن را که رو به خرابی بود ویران و منهدم ساخت. این بنا مقبره ترکان خاتون و قسمتی از مدرسه ترک‌آباد بوده است. قبه مزبور دارای ساختمان عجیب و استوانه‌ای شکل بود که حدود ۵۰ پا ارتفاع داشت و گنبد عظیمی با کاشی‌کاری سبز و طلایی بر فراز آن قرار داشت. در خارج محوطه آن خاتم‌کاری و تذهیب دلفریبی چشمان بیننده را خیره می‌ساخت و در گچ‌کاریهای داخلی نیز کمابیش طلاکاری دیده می‌شود. قسمتی از این بنا گفته می‌شود که به دستور وکیل‌الملک قاجار به خیال یافتن گنج خراب شده اما اینک تمام آن بر اثر زلزله ۱۸۹۶ ویران گشت. بنا به اظهارات سایکس که از نزدیک بنا را دیده و آنچه که امروز از آن باقیست نشان دهنده عظمت آن بنا به جهت معماری و تزئینات می‌باشد.

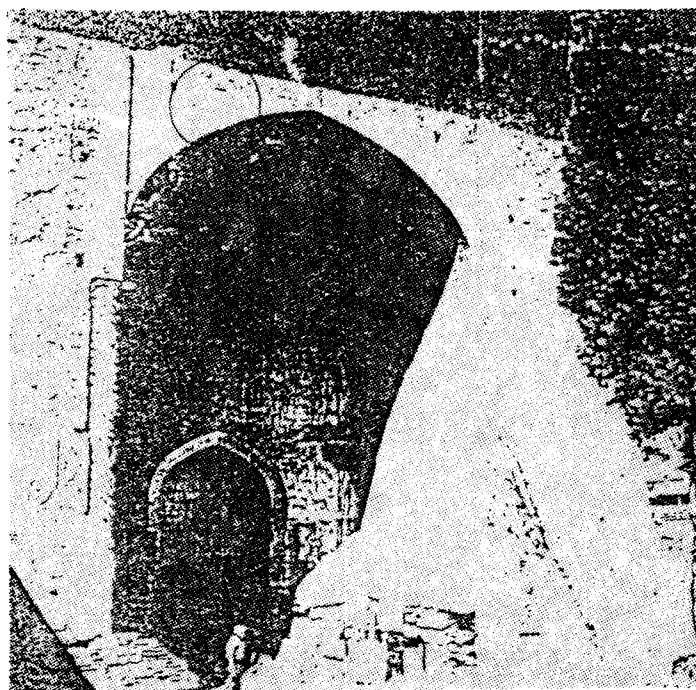
کاشی‌کاری معرق این بنا از نظر رنگ‌ها و نقوش و همچنین استفاده از کاشی در سطوح بزرگ و ستون پیچ با تکنیک بسیار پیشرفته امری عجیب و بدیع به نظر می‌رسد و همین امر موجب می‌شود که محقق احتمال بازسازی و اضافاتی را به



تصویر ۳. حاشیه و ستون پیچ



تصویر ۱. نمای سردر



تصویر ۲. سقف بازسازی شده در دوره قاجار با آجرکاری حصیری

به معرفی بخش‌های داخلی و خارجی بنا می‌پردازیم و سپس در هر قسمت نقوش بصورت جداگانه مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

### نمای بیرونی سردر:

نمای بیرونی سردر تشکیل شده از مستطیلی عظیم که قبلاً دو مناره بلند بر فراز آن قرار داشته که بر اثر زلزله ریخته و امروزه اثری از آن باقی نیست. (تصویر ۱)

مناره‌ها و سقف این سردر بر اثر زلزله ریخته است و سقف فعلی در عهد قاجار ساخته شده که چندین متر از سقف اصلی کوتاهتر است. داخل این سقف با آجر و کاشی معقلی و بیرون آن با آجر حصیری پوشانده شده است. (تصویر ۲)

آنچه از کاشیکاریهای نمای بیرونی سردر باقیست شامل حاشیه پهن و باریک، ستون پیچ و تابلوهای اصراف سردر می‌باشد. (تصویر ۳)

مانده مربوط به نمای سردر است که شامل پنج قسمت می‌باشد:

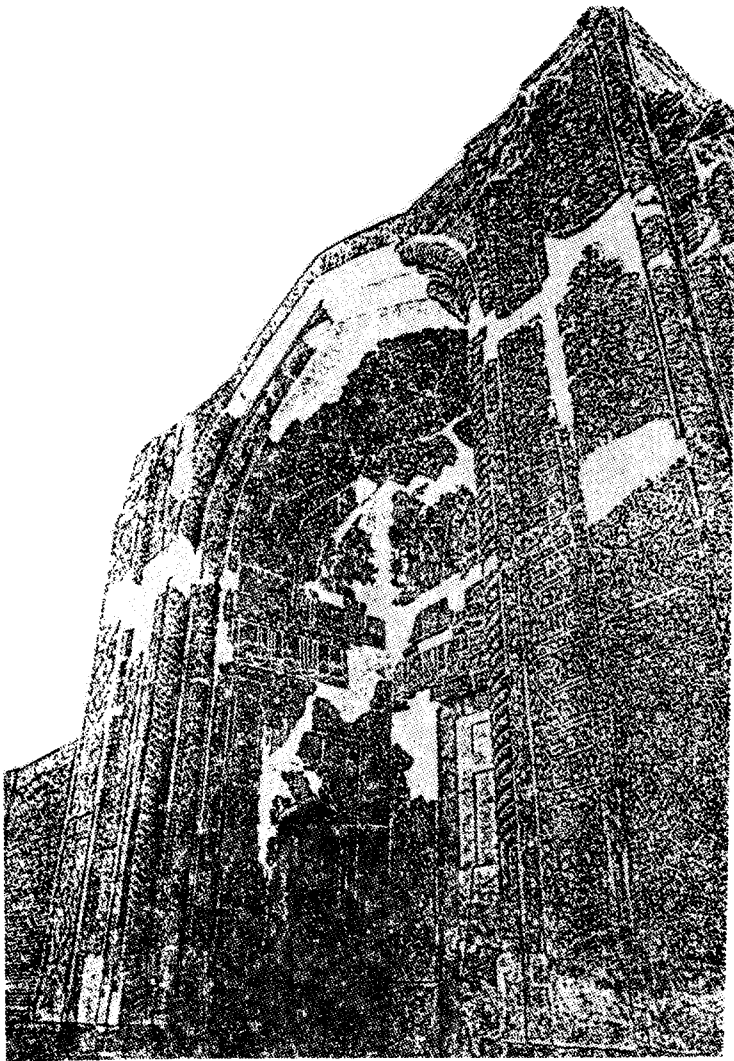
بخشی از دیوار جانبی زیر سردر، تابلوی گل و گلدان بالای سردر، بخشی از کتیبه افقی - حاشیه بیرون سردر و قسمتی از ستون پیچ.

اینک برای بررسی نقوش این قسمت‌ها

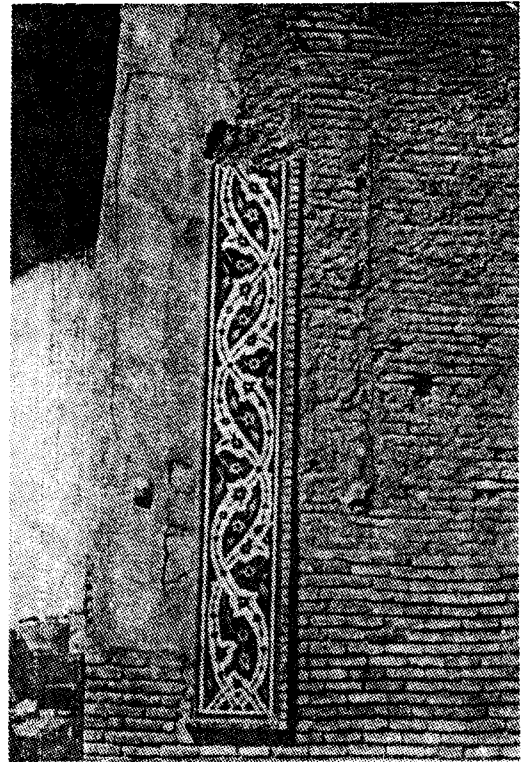
این بنا نسبت دهد. در این زمینه نظریاتی مطرح است که در عنوان قبل ذکر شده است.

معرفی تزئینات معرق قبه سبز از حیث فرم و رنگ:

آنچه از کاشیکاری معرق این بنا باقی



تصویر ۵. سردر مسجد کبود تبریز قرن ۹ هجری قمری



تصویر ۴. حاشیه با نقش زنجیری سفید

### حاشیه‌های پهن و باریک:

حاشیه پهن دارای زمینه سورمه‌ای است که نوار پهن سفیدی زنجیر مانند روی آن می‌درخشد. نوار باریکی از گل و برگ‌های ظریف از وسط زنجیر عبور کرده و دو رشته اسلیمی نازک فیروزه‌ای با گل و غنچه‌های فیروزه‌ای و طلایی بصورت زنجیر از لابلای زنجیر پهن سفید می‌گذرد. کلیه این نقوش با سه نوار باریک سفید، سورمه‌ای و فیروزه‌ای قاب شده و سپس تمامی اینها در کادر آجری نسبتاً باریک و برجسته قرار می‌گیرند. بکارگیری رنگ سفید به میزان زیاد برای این حاشیه‌پردازی است. نکته قابل توجه دیگری که در این حاشیه وجود دارد این است که حلقه‌های زنجیر در امتداد هم روی خط مستقیم قرار ندارند بلکه متناوباً به چپ و راست خم شده و محور تقارن از نقطه اتصال حلقه‌ها نمی‌گذرد. (تصویر ۴)

حاشیه دیگری در کنار این حاشیه و تقریباً هم عرض آن واقع شده که

کاشیکاریهای آن بکلی ریخته و مشخص نیست که نقوش گل و بته داشته یا احتمالاً خطاطی بوده است.

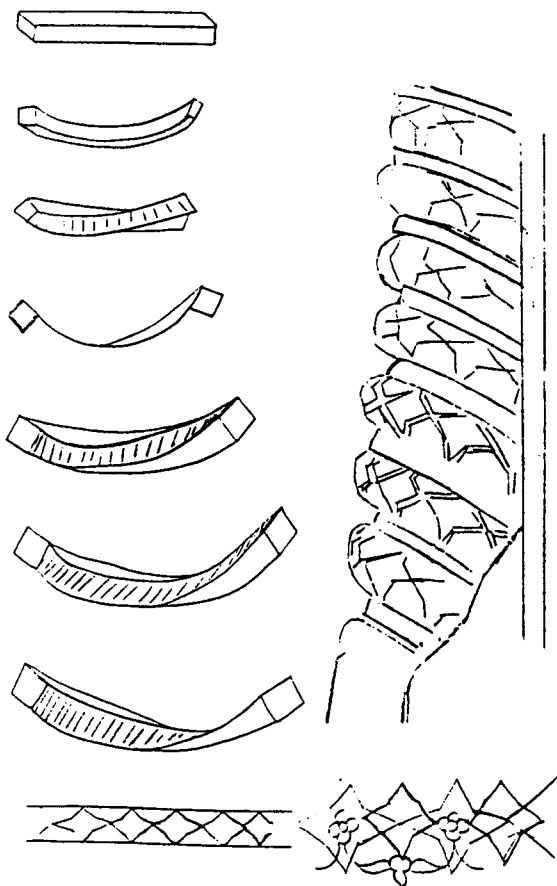
### ستون پیچ:

دو ستون پیچ به صورت قرینه در طرفین سردر وجود دارد که احتمالاً در گذشته به صورت قوسی بوده (مانند ستون پیچ سردر مسجد کبود تبریز). (تصاویر ۵ و ۶)

امروزه بخش کوچکی از کاشیکاری ستون باقیست که نشان دهنده تکنیک پیچیده و پیشرفته کاشیکاری تزئینی

می‌باشد.

هریک از پیچهای این ستون یک پارچه است و طریقه ساخت آن به این صورت بوده که ابتدا پیچ در سه مرحله با گل ساخته شده سپس نقوش روی آن به شیوه معرق پیاده شده است. نقوش کاشی معرق ستون شامل ستاره‌های چهار پر سفید و فیروزه‌ای هستند که مانند زنجیر در هم گره خورده‌اند. ضخامت خطوط سفید بیشتر از خطوط فیروزه‌ای است. در مرکز این ستاره‌های سفید و حد فاصل ستاره‌های فیروزه‌ای گل‌های چهار پر طلایی رنگ قرار دارد. در خارج



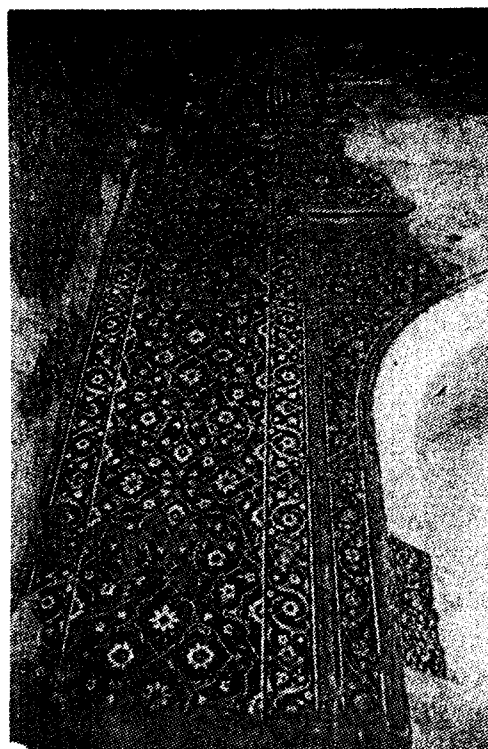
تصویر ۸. مراحل ساخت ستون پیچ

ستاره‌های سفید چهار ضلعیهای نامنظم تشکیل شده و در داخل هر چهار ضلعی غنچه‌های طلایی و برگهای ریز فیروزه‌ای قرار دارد. زمینه چهار ضلعی‌ها سیاه و زمینه ستاره‌های سفید، فیروزه‌ای و لاجوردی می‌باشد.

تمام این نقوش رنگین به صورت نواری از گلهای زنجیر مانند بدنبال هم قرار گرفته‌اند که در ابتدا روی مفتول ساده استوانه‌ای مورب ترسیم شده‌اند اما این گلهای به علت پیچ خوردگی مفتول مدور و در اندازه‌های متفاوت به نظر می‌رسند. زیرا ستون پیچ بصورت مورب روی دیوار گذاشته و در نتیجه نقوش به پرسپکتیو می‌روند. حد فاصل بین پیچهای برجسته نوارهای باریک لاجوردی کشیده شده است. (تصاویر ۷ و ۸)

#### تابلوهای اطراف سردر:

در طرفین ورودی سردر که بکلی کاشیکاری آن از بین رفته است، آثاری از تقسیمات مستطیل شکل به چشم می‌خورد که به احتمال زیاد در گذشته کاشیکاری بوده و شامل سه یا چهار تابلو بوده که مانند سردر مسجد کبود تبریز به نقش گل و بوته مزین بوده است.



تصویر ۶. سردر قبه سبز، قرن ۷ هجری قمری



تصویر ۷. ستون پیچ



به نظر می‌رسد که زمینه این تابلوها لاجوردی و گل و بوته‌های آن به رنگ سفید، سیاه، طلایی، و احیاناً سبز بوده‌اند. زیرا در کاشیکاریهای داخل سردر نیز از همین رنگها استفاده شده و به احتمال زیاد هماهنگی رنگی در خارج و داخل سردر وجود داشته است.

### کاشیکاریهای داخل سردر:

کاشیکاریهای معرق داخل سردر شامل دیوار روبرو، دیوارهای جانبی، تابلوی قوسی شکل و کتیبه خط ثلث می‌باشد. تزئینات معرق دیوارهای جانبی اطراف محراب، دیوار روبرو و لچکی‌های بالای محراب همگی بوسیله حاشیه‌هایی قاب شده‌اند. این حاشیه‌ها در دو نوع پهن و گلدان و حاشیه‌های باریک نوار مانند دیده می‌شوند. حاشیه‌های پهن یکی با زمینه لاجوردی و دیگری با زمینه سیاه می‌باشد. هر یک از اینها دارای نقوش گل و بوته‌های در هم و متفاوت با دیگری است. حاشیه‌های باریک که حد فاصل بین حاشیه‌های پهن گلدان می‌باشد به رنگهای سفید، سیاه و فیروزه‌ای هستند.

(تصاویر ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲)

### تابلوی قوسی شکل:

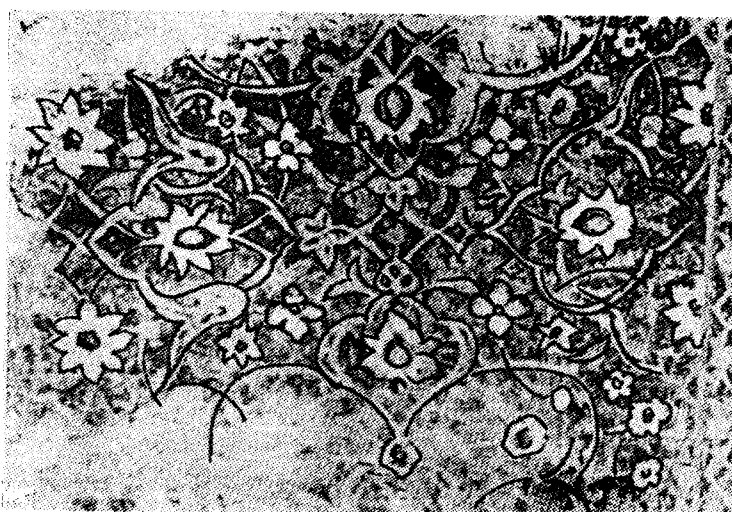
بالای دیوار روبرو، سطحی قوسی شکل دیده می‌شود که فقط کمی از کاشیکاریهای آن باقی مانده است. داخل قوس، تابلویی مستطیل شکل به چشم می‌خورد که دارای زمینه لاجوردی با نقوش گل و بوته در هم است. در قسمت وسط مستطیل با دقت زیاد می‌توان آثاری از نقش یک گلدان را مشاهده نمود که شاخ و برگهایی از آن خارج شده و نقوش گل و بوته را نشان می‌دهد. در رنگ آمیزی این گلدان و سایر قسمت‌های تابلو علاوه بر رنگهای سفید، فیروزه‌ای و طلایی از رنگ سبز درخشانی نیز استفاده شده که مانند نگین‌های زمرد می‌درخشد. احتمالاً رنگ زمینه گلدان سبز و نقوش روی آن طلایی، سفید و فیروزه‌ای بوده است.

احتمال دیگر اینست که زمینه گلدان سفید و نقوش روی آن فیروزه‌ای، طلایی و سبز بوده‌اند. این تابلوی گل و گلدان با تابلوهایی سردر شرقی مسجد جامع کرمان (قرن ۸ هجری) و در سردر مسجد شاه اصفهان (۱۰ هجری) قابل مقایسه می‌باشد که قطعاً آنها تأثیر پذیرفته از این تابلو هستند. زیرا تاریخ این بنا قرن هفتم هجری می‌باشد.

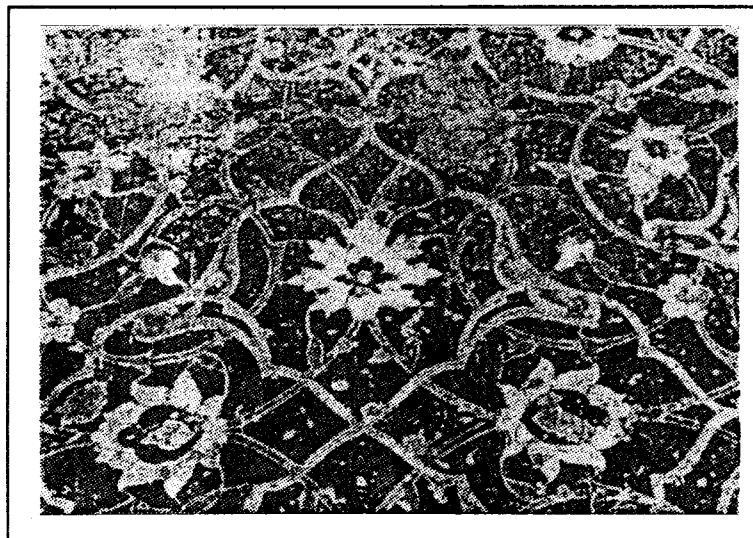
در دو تابلوی مذکور گلدان در وسط و دو طاووس در طرفین آن واقع شده‌اند که البته نقش طاووس و گلدان به صورتهای متفاوت در ظروف سیمین و



تصویر ۹. کاشیه‌های معرق داخل سردر

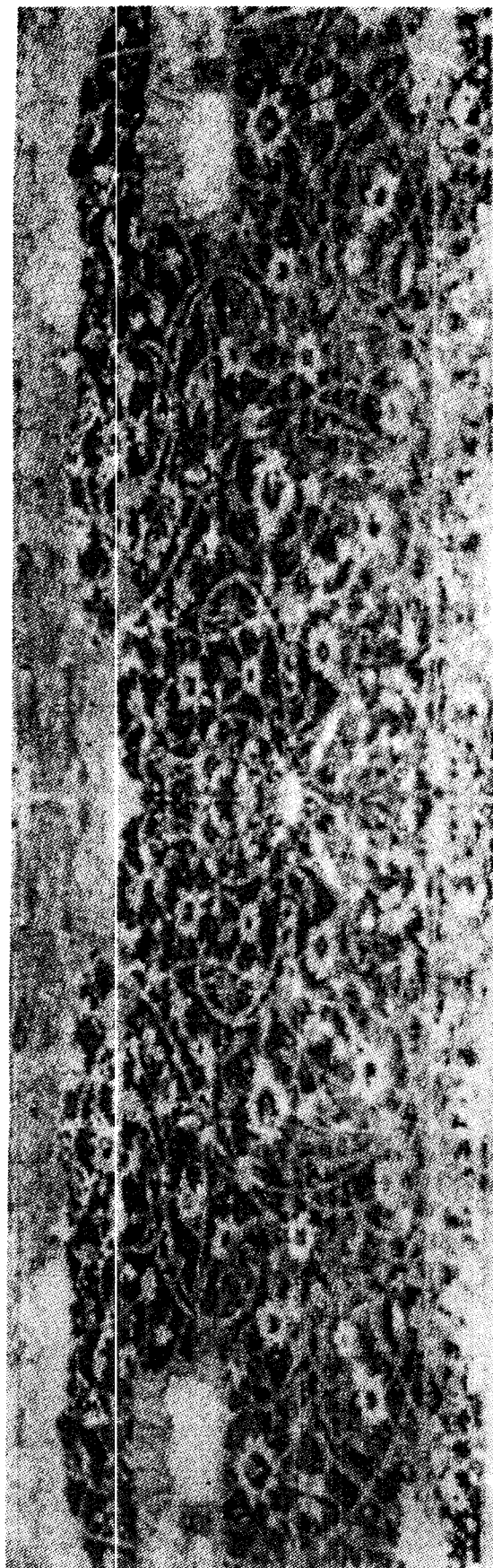


تصویر ۱۰. نقوش معرق کاری دیوارهای جانبی داخل سردر

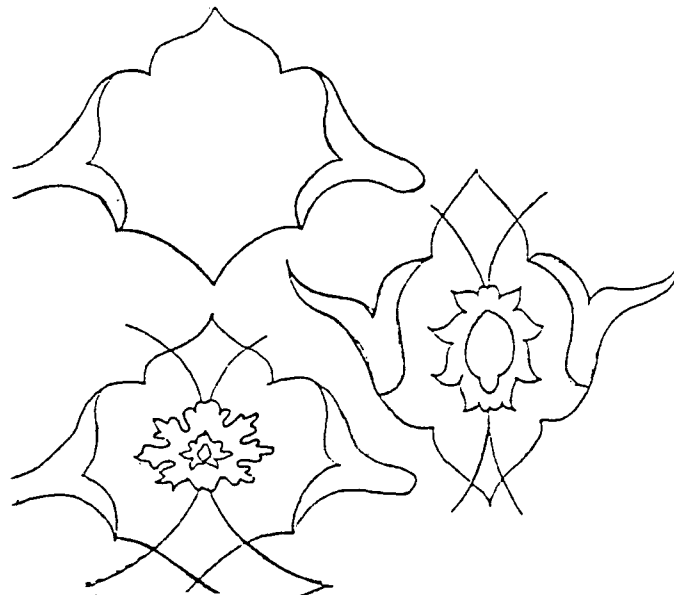


تصویر ۱۱. گل‌های اناری و برگ چناری با خطوط اسلیمی





تصویر ۱۳. تابلوی گل و گلدان

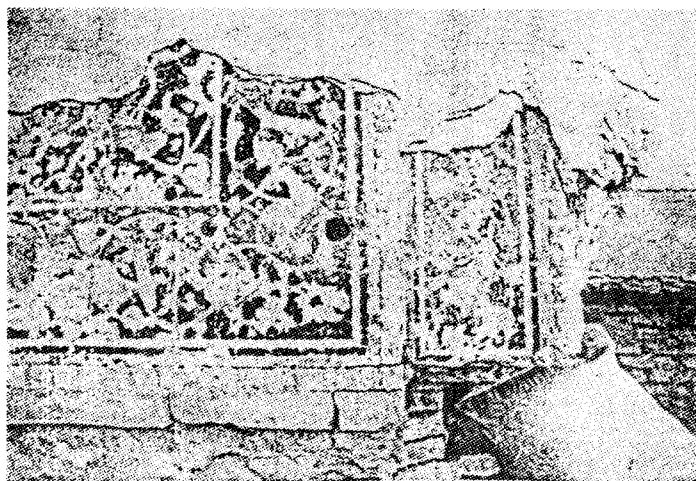


تصویر ۱۲. آنالیز نقوش دیوارهای جانبی با گلهای اناری و برگ چناری

زرین سلجوقی، در پارچه‌ها و ظروف سفالین قبلاً وجود داشته است. در کاشیکاری بناها می‌توان از همین تابلوی گلدان نام برد. (تصویر ۱۳)

#### کتیبه خطاطی:

کتیبه‌های خطاطی از عناصر جدایی‌ناپذیر در تزئینات اسلامی اعم از معماری و سایر هنرها می‌باشند. کتیبه‌هایی که در تزئینات معماری پس از اسلام در اکثر بناها موجود است با انواع خطوط کوفی، نسخ، ثلث و نستعلیق و در قالب‌های گچی، آجری، سنگی و کاشی جلوه‌گری می‌کند. داخل قوس سردر در زیر تابلوی گلدان کتیبه‌ای از خط ثلث به رنگ سفید روی زمینه لاجوردی بچشم می‌خورد که تنها بخشی از آن باقی مانده است. در قسمتی از این کتیبه افقی کلمه سلطان دیده می‌شود که احتمالاً نام حاکم وقت یا سازنده بنا و تاریخ ساخت بنا در ادامه آن وجود داشته است. این کتیبه از طرفین روی دیوارهای جانبی نیز ادامه داشته است که امروز کاشیکاریهای آن ریخته و فقط محل کتیبه مشخص می‌باشد. این کتیبه نیز مانند سایر قسمت‌ها ابتدا با سه نوار باریک لاجوردی، سفید و فیروزه‌ای و سپس با کادر برجسته آجری قاب شده است. احتمالاً این همان کتیبه‌ای است که سایکس از آن یاد کرده و تاریخ ۶۴۰ هجری قمری را نشان می‌دهد. (تصویر ۱۴)



تصویر ۱۴. حاشیه پهن گلدان بیرون سردر

## پی‌نوشتها:

سردر قبه سبز برابری می‌کند.  
۸. باستانی پاریزی، محمدابراهیم: سازمان حفظ آثار باستانی کرمان، ۱۳۳۶.

## منابع و مآخذ:

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم: فهرست آثار تاریخی کرمان، سازمان حفاظت آثار باستانی، کرمان، ۱۳۴۸.
- پوراحمد، احمد، جغرافیا و ساخت شهر کرمان، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- پیرنیا، محمدکریم: آشنایی با معماری اسلامی ایران، دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۱.
- پیرنیا، محمدکریم: راه و رباط، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۰.
- پیرنیا، محمدکریم: شیوه‌های معماری ایران، نشر بنیاد، ۱۳۶۹.
- کیانی، محمدیوسف: تزیینات وابسته به معماری دوره اسلامی، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۷.
- مدرسه قراختانیان کرمان، مقاله استاد باستانی پاریزی در کتاب «کرمان در قلمرو تحقیقات ایرانی»، مرکز کرمان‌شناسی، چاپ معراج، ۱۳۷۰.
- مصاحبه با کارشناسان میراث فرهنگی کرمان، آقایان مهندس نظریان، مهندس نظری، اسدآبادی و قنبرزاده استادکار کاشی کرمان.
- مقاله محمد یوسف کیانی در کتاب معماری ایرانی در دوره اسلامی - محمدیوسف کیانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام، ۱۳۶۶.
- مقاله یحیی ذکا، در کتاب شهرهای ایران، محمدیوسف کیانی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۷.
- ویلبر، دونالد: معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

۱. رجوع شود به مباحث مرحوم دکتر پیرنیا درباره زینت و تزیین در معماری ایرانی در کتابهای «راه و رباط» و «شیوه‌های معماری ایرانی».

۲. معرق‌کاری نوعی کاشیکاری رنگین با روش خاص و دشوار است که علاوه بر زیبایی بخشیدن به نمای خارجی، موجب استحکام بنا نیز می‌باشد. زیرا کاشی لعابدار مقاومت زیادی در برابر نور آفتاب، سرما، برق و باران داشته و به منزله پوششی محافظ عمر بنا را چندین برابر می‌کند.

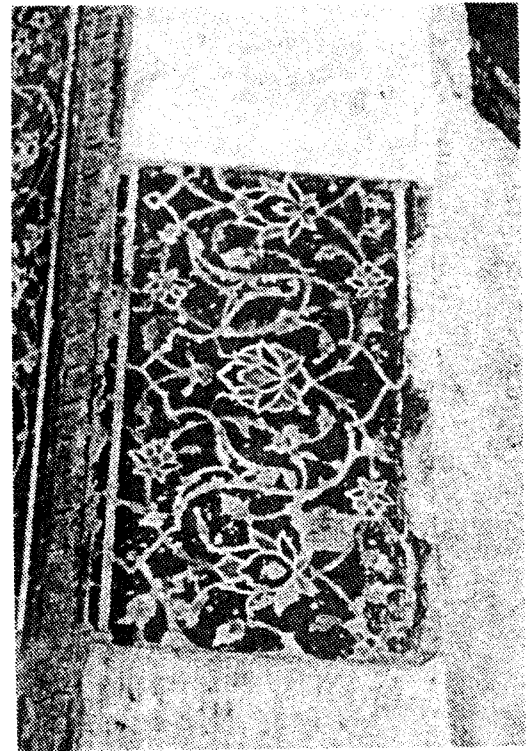
۳. پیرنیا، معمار و متخصص در معماری سنتی ایران، استاد دانشگاه، شیوه‌های معماری ایرانی، نشریه بنیاد، ۱۳۶۹.

۴. نظریان، متخصص در معماری کرمان و رئیس سابق میراث فرهنگی کرمان، مصاحبه در تاریخ مرداد ۱۳۷۱.

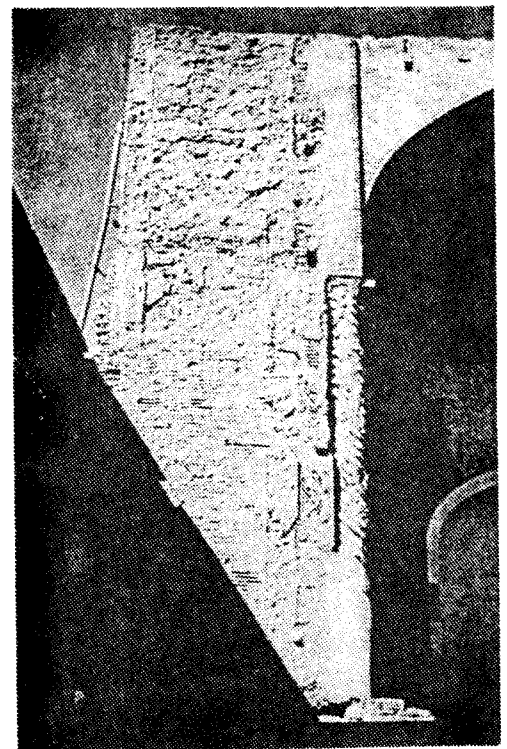
۵. گذار، اندره: ایران‌شناسی، کتاب معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۴۲.

۶. ویلبر، دونالد: معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه فریار، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۷. اشرودر می‌گوید: «محراب مسجد جامع کرمان در سال ۹۶۷ تعمیر شده. اما به عقیده مهندس نظریان این ادعا صحت ندارد و محراب متعلق به قرن هشتم هجری و عهد مظفریان کرمان است. از طرفی دیگر الحاقات و تعمیرات مسجد در بخشهایی از سردر شرقی و داخل شبستان که مربوط به قرن دهم و اوایل صفویه است، نشان می‌دهد که هیچ تناسب و هماهنگی به جهت فرم و رنگ و مصالح با محراب مسجد ندارد. بنابراین با مقایسه می‌توان کاشیکاریهای محراب را از سایر قسمتها که متعلق به قرن دهم هجری قمری می‌باشد تفکیک کرد. مقایسه دیگری که می‌تواند به روشنتر شدن موضوع کمک کند کاشیکاری معرق سردر مسجد پامناز کرمان است که حدود پنجاه سال پس از مسجد جامع ساخته شده و دارای معرق‌کاری نفیسی است که با کاشیهای معرق محراب مسجد جامع و



تصویر ۱۵. حاشیه‌های پهن گلداز داخل سردر



تصویر ۱۶. بخشی از نمای سردر مدرسه با ستون بیج